

ادامه از صفحه اول

یک بسترسه رویا

شاید بهترین راه او در شرایط اخیر، رهاکردن طیف‌های سیاسی درون مجلس به حال خود است تا شاید در فرایند کنش و واکنش‌های سیاسی و درگیری‌های پیش‌رو، بتواند تراز مجلس را دریابد و به سمتی گام بردارد که هم دنیا و هم آخرت را برایش در پی داشته باشد. اگر او چنین کند و این راه را در پیش گیرد، باید منتظر غیاب علی لاریجانی باشیم: غیاب در حضور و غیاب بی‌حضور، اما این روش، ساده‌کردن سیاست است. مسئله اصلی اینک دیگر اصولگرایان و اصلاح‌طلبان نیستند، بلکه مسئله، اعتدالیون و طیف‌هایی هستند که خود را متعهد به حمایت از دولت می‌دانند. گره‌گاه مجلس اینجاست. علی لاریجانی به‌لحاظ منش و روش با اعتدالیون همسو است، گرچه در منافع با آنها چندان نزدیکی ندارد. برهه‌هایی که یک سیاست‌پیشه رودرروی خودش قرار می‌گیرد کم نیستند، اما وضعیت لاریجانی به این جهت نادر است که اختلافش با اصولگرایان در سیاست «اتنولوژیک» (معنایی) نیست، بلکه «انتیک» (شکلی) است و همین اختلاف انتیک او را به اعتدالیون نزدیک کرده است. به بیان دیگر، میوه سیاسی علی لاریجانی رسیده و اگر چیده نشود یا خودش می‌افتد و یا روی شاخه می‌پلاسد و از آن بین می‌رود. با این رویکرد اکنون تلاش نافرجام علی لاریجانی برای تشکیل یک حزب نزدیک به خود قابل درک است. اما در سیاست، در همیشه بر یک پاشنه نمی‌چرخد. این در به آمال بزرگ‌تری نیز باز می‌شود. اگر یکی از این آمال نامزدی ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۰ باشد، کار برای علی لاریجانی تنها دشوار، بلکه نقش آفرینی در آن حیاتی می‌شود. او ناگزیر است سیاست چندجانبه‌نگری را در مجلس پیش بگیرد و این سیاست چندجانبه او را به سمتی می‌کشاند که موضوعی سراسر عقلانی و منطقی بگیرد، حتی موضوعی که بسیار دور از پسندها و سلیقه‌های سیاسی خودش؛ شاید این بهترین راه برای او باشد، اما تمام جوانب این بهترین راه دست خود لاریجانی نیست. به‌خصوص اینکه شرایط سیاسی داخلی به‌شدت تغییر کرده و از حالت دوگانه اصلاح‌طلب و اصولگرا - که ریشه در چپ و راست سنتی دارد -وارد فاز سه‌گانه‌ای شده است و این وضعیت تازه برای بسیاری هنوز قابل جذب و هضم نیست. سیاست‌های دوگانه، روشن و شفاف هستند. ما و دیگران، دیگران و ما، علی لاریجانی در این دوگانه راحتر می‌توانست عقلانی برخورد کند، اما اگر طیف دیگری به این مجموعه اضافه شود، قطعا شرایط سیاسی دیگری را رقم می‌زند که برای هرکسی قابل پیش‌بینی نخواهد بود. خاصه اگر این طیف، طیف اعتدالیون منتسب به حسن روحانی باشند. دوری و نزدیکی اصلاح‌طلبان به اعتدالیون و اعتدالیون به اصولگرایان شکل سیاست را درگروگن و قدرت را جابه‌جا می‌کند و تصمیم‌گیری در شرایط لغزنده جابه‌جایی قدرت‌ها بسیار دشوار و خط‌پذیر است و اشتباه بسیار پرهزینه، توان بالقوه اعتدالیون در چسبندگی به هریک از طیف‌های مجلس، سیاست سه‌وجهی‌ای را رقم زده است که این سیاست سه‌وجهی، جنبه‌های مختلفی دارد. برای نمونه گرایش برخی از اصولگرایان و نزدیکان‌شان به اعتدالیون، که فقط حضور آنها را چنان سنگین می‌کند که می‌توانند از موضع دیگر با اصلاح‌طلبان و جبهه پایداری برخورد کنند. البته این جابه‌جایی‌ها اشکال دیگری هم می‌تواند داشته باشد. حتی گاه این‌دست جابه‌جایی‌ها می‌تواند مجلس را به حالت آچمز یا خنثا درآورد. با اینکه غیاب در حضور و غیاب بی‌حضور برای علی لاریجانی راهگشا است اما بعید به‌نظر می‌رسد کارایی چندان‌ی داشته باشد. اگرچه در غیاب او، ریاست مجلس در دست اصلاح‌طلبان جنبه نمادین نیز داشته باشد، باز انزویته و کارایی او را تضعیف خواهد کرد و صدای اصولگرایان را -که علی لاریجانی هنوز منتسب به آنهاست- در خواهد آورد. شاید تنها گروه مجلس که تا یک سال آینده وضعیت روشنی دارد، همانا اصولگرایان باشند، که مجلس پرتش و بی‌ثبات را بیشتر می‌پسندند و برای ایجاد آن تلاش می‌کنند. اصلاح‌طلبان و اعتدالیون برعکس، به‌دنبال آرامش در مجلس‌اند. اما هریک به نیتی جداگانه، اعتدالیون بیشتر در پی حفظ ثبات و آرامش‌اند تا دوره دوم چهارساله روحانی فرا رسد. اما اصلاح‌طلبان می‌کوشند در فضای آرام مجلس، مطالبات مردم را پیگیری کنند، مگر بتوانند پیشتازی و مقبولیت خود را در افکار عمومی امتداد دهند. این سبتر، مستعد شرایط غیرقابل‌پیش‌بینی است و کنش سیاسی در این شرایط، بیش از آنکه برای علی لاریجانی دشوار باشد، برای اصلاح‌طلبان حساس و حیاتی است.

۴ در شرایطی که در داخل کشور شاهد رکود

اقتصادی هستیم، ترکیب واردات و صادرات ایران با توجه به آمارهای سال ۹۴ چگونه است؟ در حوزه صادرات حدود ۵۲ درصد از صادرات غیرنفتی ما را پتروشیمی و میعانات گازی تشکیل می‌دهند که البته مستقیما به نفت برمی‌گردند. با توجه به اینکه ما در پتروشیمی، فراوری با تکنولوژی بالا نداریم و ارزش‌افزوده زیادی هم تولید نمی‌کنیم، من این صادرات را چندان غیرنفتی حساب نمی‌کنم و معتقدم نفت و معدن و پتروشیمی یک نوع صادرات محسوب می‌شوند. بخش عمده‌ای از ۴۸ درصد باقی‌مانده صادرات غیرنفتی نیز شامل سیمان، فولاد، کاشی، سرامیک و کالاهایی از این دست می‌شود که مستقیما صادرات سوبسید انرژی محسوب می‌شود نه کالا. چراکه سهم انرژی در قیمت تمام‌شده اغلب این تولیدات بسیار بالاست و تولیدکنندگان ما انرژی را کمتر از ۲۵ درصد قیمت جهانی می‌گیرند. بخش دیگری از صادرات غیرنفتی هم مواد خام معدنی هستند که باز به نظر من فرقی با صادرات نفت ندارند و ارزش‌افزوده چندان‌ی ایجاد نمی‌کنند. بخش اندکی از صادرات هم ناشی از صادرات محصولات کشاورزی و صادرات سنتی مانند فرش و صنایع‌دستی است که رقم کل آنها کمتر از ۱۰ درصد مجموعه صادرات غیرنفتی را شامل می‌شوند. فکر می‌کنم کل ارزش صادرات غیرنفتی ما در سال ۹۴ هم حدود ۵۲ میلیارد دلار بوده است.

۴ این رقم در مقایسه با سال ۹۳ افت کرده یا افزایش یافته است؟

ارزش صادرات ما در سال ۹۴ نسبت به سال ۹۳ حدود ۱۶ درصد کاهش داشته است. این کاهش عمدتا به دلیل ارزان‌شدن قیمت نفت و انرژی در دنیا بود که در نتیجه قیمت میعانات گازی، پتروشیمی و مواد معدنی را نیز کاهش داد. این در حالی است که ارزش صادرات در سال ۹۳ نسبت به ۹۲ هم حدود ۱۱ درصد کاهش داشته است. در بحث واردات هم در سال ۹۳ نسبت به ۹۲ کاهش حدود ۲۰درصدی و در سال ۹۴ نسبت به ۹۳ کاهش حدود ۲۵درصدی را تجربه کردیم که حاکی از چند واقعیت مهم است. اولین واقعیت اینکه محصولات غذایی در جهان ارزان شده است و بخش زیادی از واردات ما که شامل گندم، جو، ذرت، کنجاله، روغن‌بنایی و... بوده از نظر ارزشی کاهش پیدا کرده است. از مجموع وارداتی که داریم، کمتر از ۱۰ درصد کالای ساخته‌شده و مابقی به مواد اولیه، کالای واسطه‌ای و ماشین‌آلات اختصاص دارد؛ پس واقعیت دیگر این است که بخش قابل‌توجهی از این کالاهای واردات به این دلیل است که کارخانجات ما مواد اولیه نخواستند. کاهش ۲۰ و ۲۵ درصدی ارزش واردات در دو سال متوالی به این مفهوم است که رکود در کشور تعمیق شده و به دلیل اینکه تقاضا برای کالای ساخته‌شده کم شده، هم واردات کالای ساخته‌شده و هم کالای واسطه‌ای و ماشین‌آلات برای تولید کاهش یافته است.

۴ آیا کاهش میزان واردات و صادرات، تغییری در چیش شرکای اصلی ایران در تجارت خارجی به وجود آورده است؟

حدود ۷۰ درصد از تجارت خارجی ایران با پنج، شش کشور چین، امارات، هند، عراق، ترکیه و کره‌جنوبی انجام می‌شود. این مسئله فقر بازار ما در معاملات فرامرزی را نشان می‌دهد که به دلایل تحریمی به این چند کشور محدود شده است که تقریبا در واردات و صادرات همین چینش را دارند. چین در هر دو حوزه، شریک اول تجاری ماست گرچه در صادرات کمی وضع فرق می‌کند و افغانستان هم وارد این فهرست می‌شود. امارات در واردات شریک دوم و ترکیه، سوم است اما در صادرات عراق به جای امارات در ردیف دوم می‌نشیند. البته از آنجا که چندماهی از انتشار این آمار می‌گذرد، شاید من چیش را دقیق بازگو نکنم اما بخش عمده ترکیب شرکای اصلی تجاری ایران در هر دو حوزه شامل چین، امارات، ترکیه، هند، کره‌جنوبی، عراق و افغانستان می‌شود که جای چین بی‌تغییر و ثابت است.

۴ چین که در هر دو حوزه، شریک اول تجاری ما محسوب می‌شود، در اقتصاد ایران چه سهمی دارد؟

حدود ۲۳ تا ۲۴ درصد از حجم مبادلات ما در صادرات و واردات با این کشور انجام می‌شود. کل ارزش واردات و صادرات ما در سال ۹۴ حدود صد میلیارد دلار بوده است. تجارت با چین با احتساب

اقتصاد

حریری در گفت‌وگو با «شرق» از افزایش سهم ۲۴ درصدی چینی‌ها در تجارت خارجی ایران به دلیل تحریم‌ها خبر داد

امپراتوری کالای چینی در ایران



عکس: محمد یونسی

احمد میرخدانی؛ در کنار تبعاتی که با تحریم‌های اقتصادی به ایران تحمیل شد، فقر بازار نیز یکی از سوغاتی‌های ناخوشایند تحریم بود که دامن تجارت فرامرزی ایران را گرفت و کار را به جایی رساند که حدود ۷۰ درصد از مبادلات خارجی کشورمان با پنج، شش شریک تجاری محدود شد و البته در این میان، چین کشوری است که با سهم حدود ۲۵درصدی از تجارت با ایران، قاطعانه بر کرسی اولین شریک تجاری ما در هر دو حوزه واردات و صادرات تکیه زد درحالی‌که تا پیش از تحریم‌ها فقط حدود ۱۰ درصد از مبادلات تجاری ایران با چین انجام می‌شد اما تحریم‌ها در مدت کوتاهی این سهم را تقریبا ۲۵ برابر کردند. تراز تجاری ایران با چین تا سال ۲۰۱۴ با احتساب نفت همیشه به نفع ایران، مثبت بوده اما در سال ۲۰۱۵ تراز تجاری ما با احتساب نفت هم به نفع چین شد. مجیدرضا حریری، نایب‌رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین، در گفت‌وگو با «شرق» دلیل این افزایش سهم چین از بازار ایران را مربوط به زمانی می‌داند که به واسطه تشدید تحریم‌ها، به‌شدت از تعداد کشورهای خریدار نفت ایران کاسته شد و تنها چند کشور و در صدر آنها چین، در نقش خریدار نفت ایران ظاهر شدند. از دیگر سو به دلیل تحریم‌های بانکی ایران بالاچار باید از همین کشورها خریدهای خود را انجام می‌داد و چین تنها کشوری بود که می‌توانست نیازمندی‌های وارداتی ایران شامل مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و ماشین‌آلات را برآورده کند. در ادامه مشروح گفت‌وگو را بخوانید.

نفت، حدود ۳۵ میلیارد دلار بوده که اگر نفت را از آن کم کنیم، ارزش مبادله غیرنفتی ما با چین حدود ۲۵ میلیارد دلار می‌شود. تراز تجاری با چین تا سال ۲۰۱۴ با احتساب نفت همیشه به نفع ما مثبت بوده اما بدون نفت هیچ‌وقت مثبت نبوده است. در سال ۲۰۱۵ تراز تجاری ما با احتساب نفت هم ۵۱ به ۴۹ به نفع چین شد؛ یعنی به دلیل کاهش شدید قیمت نفت، تراز نفت یکی، دو درصد به نفع چین مثبت است. **۴ گفتید حالا حدود ۲۳ تا ۲۴ درصد مبادله ایران با چین انجام می‌شود. این سهم نسبت به دولت قبل کاهش یافته یا بیشتر شده است؟**

ربطی به دولت قبلی با فعلی ندارد. سؤال باید این باشد که ترکیب قبل و بعد از تحریم چگونه بوده است؟ ما قبل از تحریم حدود ۱۰ درصد از مبادلات تجاری خود را با چین انجام می‌دادیم اما در زمان تحریم‌ها این سهم تقریبا ۲۵ برابر شد. بازارهای ما از حوالی سال ۹۰ که دچار تحریم

شدیم، بسیار محدود شد و بسیاری از خریدهایی که قبلا می‌توانستیم از کشورهای دیگر داشته باشیم را مجبور شدیم از چین انجام دهیم چراکه فقط چند کشور اجازه داشتند نفت ما را بخرند که در رأس آنها چین بود که حدود ۵۰ درصد از نفت ما را می‌خرد. در مقابل نفتی که به این کشورها می‌فروختیم، به دلیل تحریم‌های بانکی نمی‌توانستیم پول بگیریم پس قاعدتا به هر جایی که نفت می‌فروختیم، مجبور بودیم اگر به ما کالا می‌فروخت، بخریم. در آن زمان هر کشوری هم به ما کالا نمی‌داد، مثلا ما به ژاپن نفت می‌فروختیم و پول آن در بانک ژاپن بلوکه می‌شد و کالا به ما نمی‌فروخت اما چین، هند و ترکیه مجوز داشتند به ما کالا هم بفروشند. در نتیجه سه کشور چین، هند و ترکیه سه بازاری بودند که ما می‌توانستیم نیازهایمان را با آنها برآورده کنیم اما از آنجا که ترکیب وارداتی ما بیشتر مواد اولیه و ماشین‌آلات است، ترکیه و هند نمی‌توانستند تقاضای ما را جواب دهند و فقط چین می‌توانست نیاز ما را تأمین کند. قاعدتا وقتی به واسطه تحریم، تعداد شرکای تجاری ما به کمتر از تعداد انگشتان دو دست می‌رسد، چین به‌عنوان دومین اقتصاد برتر دنیا و اولین تاجر دنیا، سهم بیشتری را به دست می‌آورد. برای همین در دوساله آخر دولت دهم نیز آمار به همین شکل رشد کرده بود.

جمعیت دنیا ۱٫۲ درصد است. اندازه اقتصاد ما هم که قبل از تحریم‌ها در رتبه ۱۸ جهان قرار داشته و حالا به رتبه ۲۷ یا ۲۸ رسیده، جزء اقتصاد بزرگ است. پس اندازه اقتصاد و جمعیت ایران می‌طلبد که حداقل ۱۰٫۲ درصد از تجارت جهان را در اختیار بگیریم؛ به عبارتی اگر برنامه درستی داشته باشیم، صدمیلیارد دلار تجارت نفتی فعلی ایران باید به حدود ۳۰۰ میلیارد دلار برسد. در این حالت سهم اغلب کشورها از تجارت با ایران افزایش می‌یابد و سهم چین نیز بیشتر می‌شود. در تفاهم‌نامه امضاشده بین رئیس‌جمهوری چین و دولت ایران هم پیشرفت روابط دیده شده است تا در ۱۰ سال آینده، متوسط تجارت ایران با چین سالانه به ۶۰ میلیارد دلار، یعنی دو برابر میزان فعلی، برسد.

۴ شما اشاره کردید کمتر از ۱۰ درصد از کل واردات ما کالای ساخته‌شده است. با توجه به اینکه چین

کمتر از ۲۵ درصد از تجارت ایران را در اختیار دارد، قاعدتا می‌تواند حدود ۲۵ درصد از ۱۰ این درصد را نیز در اختیار داشته باشد. اما مردم معتقدند کل بازارها ملو از کالاهای ساخته‌شده چینی است و همین مسئله کمر تولید ملی را خم می‌کند. چرا این حجم از کالای ساخته‌شده چینی وارد کشور می‌شود؟

آمار گمرک در سال ۹۴ نشان می‌دهد، ایران ۵۰ میلیارد دلار واردات داشته است و براساس اولویت‌های ۱۰گانه که اولویت دهم به کالاهای ساخته‌شده اختصاص دارد، حدود پنج میلیارد دلار کالای اولویت دهم، وارد شده است. یعنی از گمرک فقط پنج میلیارد دلار کالای ساخته شده وارد کرده‌ایم؛ اما ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز هم می‌گوید: در سال ۹۴ حدود ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق وارد کشور شده است. پس قاچاقچیان چهار برابر تجار قانونی کالا وارد کرده‌اند که بخش عمده آن کالای ساخته شده است و در هیچ آماری وارد نمی‌شود.

۴ از این ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق، چه مقداری از چین وارد می‌شود؟ اینها قابل اندازه‌گیری نیست. ما با چین هم مرز نیستیم و کالا نمی‌تواند مستقیما از چین قاچاق شود؛ بلکه باید به مقصد ثالثی برود و از آنجا به ایران قاچاق شود. در حقیقت عمده کالاهایی که معروف به کالای چینی بی‌کیفیت است، از کشورهای حوزه خلیج فارس وارد می‌شود. بخشی هم در کردستان عراق، پاکستان و گاه حتی در مناطق آزاد که گمرک نظارتی بر آن ندارد، تخلیه شده و به ایران قاچاق می‌شود. این کالاها در چین تولید می‌شود اما مسئله قاچاق کالا از چین ربطی به تجارت قانونی ما با این کشور ندارد.

۴ یعنی کالا از چین به مناطق آزاد می‌آید و از آنجا به کشور قاچاق می‌شود؟

مناطق آزاد ما قابلیت واردات مستقیم کالا از چین را ندارند چراکه کنسنتی‌های اقیانوس‌پیمایی که از چین می‌آیند فقط می‌توانند در بنادر رسمی ما پهلو بگیرند. کالاها در امارات تخلیه شده و از آنجا با شناورهای کوچک به مقاصد بعدی از جمله مناطق آزاد فرستاده و از آنجا به هر شکلی به داخل ایران وارد می‌شوند.

۴ شما منتقدید کالاهای چینی موجود ربطی

به تجارت قانونی ایران با چین ندارد؟ سهم واردات قانونی کالاهای ساخته‌شده چینی از پنج میلیاردلاری که در آمارها هست، با سهم چین از تجارت ایران متناسب است. کالاهایی که عدتا قاچاق بوده و بازار مصرفی ایران را قبضه کرده‌اند و به تولیدکننده داخلی ضربه می‌زنند، چینی نیستند. بخش عمده منسوجات و پوشاک است که از ترکیه و پاکستان وارد می‌شود. بخش بعدی سیگار است که از چین وارد نمی‌شود. البته در بخش قاچاق لوازم خانگی سهم کالاهای چینی پررنگ است.

۴ پس چرا کوپی کل بازار را کالاهای چینی گرفته‌اند و هر کالایی که در ایران تولید می‌شود

مشابه ارزان و چینی آن هم وجود دارد؟ یکی از دلایل این است که مثلا می‌بینیم کل عینک‌های قاچاق بازار چینی است اما توجه نمی‌کنیم که ارزش کل عینک مصرفی در ایران شاید به دو میلیون دلار در سال نرسد. از دیگرسو ما باید ببینیم چرا تولیدکننده داخلی توانسته از انرژی ارزان باز هم نمی‌تواند رقابت کند و مثلا تولیدکنندگان لوازم خانگی ما حتی از واردات رسمی با تعرفه بالا از کره‌جنوبی هم داد و هوار دارند. من معتقدم سیستم تولید ما معیوب است و تولیدکننده ما، مدیریت تولید نمی‌داند.

برای همین است که تولیدکننده لوازم خانگی ما کالای ساخته‌شده را از چین می‌آورد و اینجا با برچسب برند خودش بسته‌بندی می‌کند و می‌فروشد. این تولیدکننده‌ها، اگر چین هم نباشد باز در برابر کالاهای کره‌جنوبی، ترکیه و حتی تا چندسال دیگر در برابر کالاهای افغانستان هم قدرت رقابت ندارند. تولیدی که صادراتی نباشد محکوم به فناست. سیستم تولید در این ملکلت ایران دارد، برای همین یک روز واردات بی‌رویه را بهانه می‌کردند اما حالا که واردات افت کرده، می‌گویند مشکل تولید، هزینه بالای تأمین مالی است درحالی‌که هزینه تأمین مالی در قیمت تمام‌شده کالا هفت تا ۱۰ درصد است. یعنی اگر ما دورابر ماشین‌های سود بانکی بدهیم، کالای ما باید پنج تا شش‌درصد گران‌تر باشد اما می‌بینیم کالای ایرانی با وجود تعرفه‌های بالا باز هم نتوان رقابت با کالای خارجی را ندارد.

خبر کوتاه

ورود هنگکنگری به ماجرای حقوق میلیونی

● شرق: به دنبال انتشار خبری با عنوان «مدیریت اشرافی سد راه اقتصاد مقاومتی، دغدغه معیشت مردم با حقوق ۲۳۴میلیون‌تومانی» که در تاریخ ۹۵/۳/۱۹ در روزنامه کیهان منتشر شد و در آن به دریافت‌های غیرمتعارف یکی از مدیران بانکی کشور اشاره شده بود، معاون اول رئیس‌جمهوری دستور بررسی دقیق موضوع را صادر کرد. به گزارش پایگاه ریاست‌جمهوری، روی پس از اطلاع از خبر یادشده، در نامه‌ای خطاب به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دستور رسیدگی موضوع را به شرر زیر صادر کرد: «جناب آقای ریبعی، با سلام، لطفا دقیقاً بررسی شود آیا این ارقام صحیح است. اگر صحیح است به چه عنوان پرداخت شده است. نتیجه را گزارش دهید».

پرداخت بقیه بدهی نفتی هند به ایران

● تسنیم: پالایشگاه‌های هندی برای سرعت‌بخشیدن به تسویه بدهی نفتی چندمیلیارددلاری خود به ایران، پس از بروز تأخیر در یک مسیر پولی، اکنون به استیت‌بانک هند و هندی‌بانک آلمان (ای‌آی‌اچ) روی آورده‌اند.

مذکره برای تغییر پایه معامله ایرباس به یورو

● ایلنا: مقصود اسعدی‌سامانی دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی با بیان اینکه گشایش‌هایی در بحث مشکلات بانکی و مالی قرارداد خرید ۱۱۸ فروند هواپیمای ایرباس در حال انجام است، اظهار کرد: مذاکره‌کنندگان در تلاش هستند پایه پولی این معامله بر اساس یورو تنظیم شود.

بورس

گرایش سرمایه‌گذاران به سهم‌های کوچک واوراق بدهی



● **مجتبی شهبازی**
مدیر معاملات کارگزاری بانک پاسارگاد

● در پایان معاملات هفته منتهی به ۱۹ خرداد ۱۳۹۵، شاخص کل با ۲۱۰ واحد کاهش نسبت به هفته قبل، به رقم ۷۵هزار۸۷۴ واحد رسید. در این هفته ارزش کل معاملات بازار شبیه ماه‌های اخیر کامکان حجم نسبتاً پایینی داشته است. حالت کلی این ایام در طول هفته به این شکل است که معمولاً روز آغازین هفته و پایانی بازار شرایط بهتری دارد و شاخص مثبت می‌شود ولی روزهای میانی شاخص منفی است. بازار این روزها متمایل به تک‌نمادهاست که گهگاهی این نمادها به دلیل حجم کوچکشان موردقبال قرار می‌گیرند. شاید تنها صنعت تماماً مثبت هفته گذشته، گروه نمادهای قندی باشد. افزایش بسیار بالای قیمت شکر جهانی به دلیل کاهش تولیدات جهانی به‌خصوص چین منجر به این اتفاق شد. به‌رحال وضعیت این روزهای بازار بدون هدف مشخص و لیدر است. هیچ صنعت و گروه اصلی‌ای موردقبال بازار نیست. با توجه به جذابیت نرخ سود بدون ریسک اوراق در بازار، آن هم در شرایط رکود اقتصادی این‌روزهای کشور، انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری در بین فعالان اقتصادی وجود ندارد. تقاضای بالای اوراق‌های بدهی در بازار یک نشانه بارز این وضعیت است. کم‌اینکه پیرو تحقق بزرگ‌ترین تأمین مالی دولت در تاریخ بورس تهران با پذیرهنویسی دو اوراق نفتی در اسفند سال گذشته، در هفته سپری‌شده دو اوراق مشارکت ملی نفت با نمادهای «مپارس۷۱۲» و «مغرب۹۷۱۲» بازگشایی شدند. بنا بر اعلام تعداد ۳۵ میلیون برگه از اوراق مشارکت شرکت ملی نفت ایران با ارزش ۳۵ هزار میلیارد ریال و تعداد ۱۵ میلیون برگه از اوراق مشارکت شرکت ملی نفت ایران با نماد «مغرب۹۷۱۲» به ارزش ۱۵ هزار میلیارد ریال در بورس تهران بازگشایی شدند که با سررسید سه‌ساله با نرخ سود علی‌الحساب ۲۱ درصد روزشمار و معاف از مالیات است که سود آن هر سه ماه پرداخت می‌شود. درحال‌حاضر شاخص بورس تهران در مقایسه با بورس‌های جهانی توانسته رشد قابل‌توجهی داشته باشد، به طوری که از ابتدای سال تاکنون در مقایسه با شاخص بورس‌های معتبر جهانی، به‌عنوان مثال شاخص بورس بمبئی (BSE۳۰) با رشد ۸۰٫۲ درصدی، بیشترین بازدهی و شاخص بورس تهران (TSE۳۰) با افت ۵۰٫۲ درصدی، کمترین بازدهی را در میان بورس‌های جهان به خود اختصاص داده‌اند. امید این روزهای فعالان بازار به تحرک اساسی تیم اقتصادی دولت است.

عنوان شاخص	۱۲ خرداد	۱۹ خرداد	تغییر
کل	۷۶۱۴۴۰۳	۷۵۸۷۶۰۳	-۲۶۸
شاخص قیمت	۲۷۸۳۴۰۶	۲۷۶۳۳۹۸	-۲۰۳۸
شاخص کل (معوز)	۱۳۷۶۵۳۳	۱۳۷۱۹۵۴	-۳۰۱
شاخص قیمت (معوز)	۱۱۲۹۷۵	۱۱۲۶۵۲۵	-۴۵
آرگد شناور	۸۴۸۱۷۵	۸۴۵۳۳۰۶	-۲۸۸۲۹
۵۰ شرکت بزرگ	۳۰۴۴۷۰	۳۰۲۴۲۰۱	-۲۰۶

طلا و ارز

خیز بلند طلا

● شرق: طلا هفته را با هزارو ۲۴۴ دلار آغاز کرد و روز پنجمشنبه تا هزارو ۲۶۰ دلار هم بالا آمد. این روند در روز جمعه هم ادامه داشت تا اینکه قیمت هر اونس طلا در ساعت شش بعدازظهر به وقت تهران به هزارو ۲۷۶ دلار هم رسید. به گزارش پایگاه خبری «بیزینس‌تایمز»، قیمت جهانی طلا در بازار معاملات آتی روز جمعه با اعمال سیاست افزایش تقویت دلار آمریکا، از بیشترین بهای خود در سه هفته اخیر فاصله گرفت. این افزایش تقویت دلار آمریکا به‌دنبال انتشار آمار کاشی نرخ بی‌کاری آمریکا رقم خورد که نگرانی راجع به روند کند بازار کار این کشور را از بین برد. در هفته گذشته قیمت سه تامم که به زیر یک‌میلیون تومان رسیده بود، در اواخر هفته خود را به بیش از یک‌میلیون تومان رساند. افزایش اونس در روز پایانی هفته موجب افزایش قیمت سکه به یک‌میلیون و ۱۸هزار تومان شد. بازار ارز هم در هفته گذشته مانند چندماه اخیر همچنان بی‌حرکت است.

ارز	قیمت(میل)	تغییر
دلار آمریکا	۳۴۵۵۰	-۵
یورو	۳۹۴۰	-
پوند	۵۰۴۳	-
درهم	۹۴۷	-
طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۱،۰۱۸،۵۰۰	+۳۵۰۰
طرح قدیم	۱،۰۱۷،۰۰۰	+۳۰۰۰
نیم	۵۰۸،۰۰۰	+۲۰۰۰
ربع	۲۷۱،۰۰۰	-۱۰۰۰
گرمی	۱۸۱،۰۰۰	-
گرم ۱۸ عیار	۱۰۳۳،۰۰۰	+۱۰۰
اونس (دالر)	۱۲۶۲،۵۰	+۲۵

جلسات هفتگی انجمن اسلامی مهندسین

روز	موضوع جلسه
شنبه ۱۸/۳-۱۶/۳	کلاس تعلیم کتاب و حکمت ،با مدیریت آقای مهندس دانشیان
سه شنبه۱۸/۳-۱۶/۳	جلسه تفسیر ترتیبی قرآن کریم ، با مدیریت آقای دکتر فریدون سحابی
چهارشنبه۱۸/۳-۱۶/۳	جلسه تفسیر موضوعی قرآن کریم ، سخنرداری “ دینداری خردمندانه ” توسط آقای دکتر سلیمانی

نشانی : بلوار میرداماد ، پلاک ۱۲۶ ، طبقه چهارم

شماره های تماس : ۲۲۲۶۳۴۳۵ - ۲۲۲۶۷۷۴۸ - فکس : ۲۲۲۷۴۷۳۸

نشانی وبگاه : **info@IAEngineers.org**

نشانی کانال تلگرام : **https://telegram.me/IAEngineers**